

بررسی رابطه مومنان از دیدگاه قرآن کریم به عنوان راهکاری کاربردی برای اشاعه منطق گفتگو و وحدت امت اسلامی

بررسی رابطه مومنان از دیدگاه قرآن کریم
به عنوان راهکاری کاربردی
برای اشاعه منطق گفتگو و وحدت امت اسلامی

رضا عبداللهی

دانشجوی کارشناسی ارشد ادیان و عرفان- دانشگاه تهران

چکیده:

انسان موجودی اجتماعی است و بنا بر طبیعت خویش باید در اجتماع و در ارتباط با افراد دیگر زندگی کند. در یک جامعه اسلامی نیز مومنان در ارتباط با افراد دیگر و مخصوصاً مومنان هستند و بخش عظیمی از زندگی خود را در تعامل با دیگران سپری میکنند. از آنجا که دین اسلام دینی کامل و همه جانبه است و به همه ابعاد زندگی انسانها پرداخته است؛ برای هدایت انسانها و رسیدن آنها به سعادت در دنیا و آخرت، برنامهها و اصول خاصی را در جهت ساماندهی صحیح روابط بین مومنان ارائه داده است. قرآن مجید و سنت شریف؛ دو منبع اساسی برای بیان این برنامه هدایت هستند، که این اصول و دستورالعملها در آنها مطرح شده است که احصاء، دسته بندی، شناسایی و تبیین این اصول برای پیاده کردن آن امری ضروری است.

این تحقیق درصدد آن است که اصولی را که فرد مومن باید در ارتباط با دیگر مومنان به کار گیرد، از قرآن مجید استخراج و به بحث و بررسی آن به عنوان راهکاری کاربردی برای اشاعه منطق گفتگو و وحدت امت اسلامی بپردازد؛ چرا که قرآن مجید به عنوان حبل المتین امت اسلامی، می تواند بهترین راهکارها را برای تقریب و وحدت امت اسلامی ارائه دهد و با توجه به این که قرآن به عنوان یکی از مهمترین نقاط

مشترک مسلمانان است و همگان در عمل به دستورات متعالی آن اتفاق نظر دارند؛ با سرلوحه قرار دادن راهکارهای قرآنی میتوانیم شاهد پیشرفتهای چشمگیری در رسیدن به وحدت اسلامی باشیم.

تعاریف:

(یک) ایمان- مومن:

الف- واژه شناسی:

واژه «ایمان» مصدر باب افعال و «مومن» اسم فاعل از آن باب و از ریشه «امن» است. واژه شناسان «امن» را به اطمینان یافتن نفس و ازاله ترس و ضد خوف معنی کرده‌اند [1]. اما «ایمان» ضد کفر و ضد -تکذیب است و ابن منظور با استناد به گفتار واژه شناسان معنای «تصدیق» را برای ایمان ذکر می‌کند [2]؛ بر این اساس مومن به معنای مصدق است.

ب- اصطلاح شناسی:

راغب در تعریف از ایمان می‌آورد: اگر ایمان اسم باشد، اسم برای شریعتی است که محمد (ص) آورده «ان الذین آمنوا و الذین هادوا و الصابئون...» [3]؛ یعنی کسانی که ایمان آورده و کسانی که یهودی و صابئی اند؛ ... اما اگر ایمان مدح باشد، اذعان و تصدیق به حق است به اجتماع سه چیز؛ تحقیق قلب، اقرار با زبان و عمل با جوارح.

ابن منظور در تفاوت ایمان با اسلام می‌گوید: اظهار خضوع و تسلیم نسبت به آن چیزی که رسول آورده اسلام است، اگر این اظهار همراه با اعتقاد و تصدیق قلبی باشد؛ ایمان است [4]. طبرسی در تعریف از ایمان می‌آورد: ایمان تصدیق به خدا و پیامبران، ملائکه و جهان دیگر است [5]. علامه طباطبائی، ایمان را این چنین تعریف میکند: ایمان عبارتست از جایگزین شدن اعتقاد در قلب و این کلمه از ماده (ء- م- ن) اشتقاق یافته، کانه شخص با ایمان، به کسی که به درستی و راستی و پاکی وی اعتقاد پیدا کرده، امنیت می‌دهد؛ یعنی آن چنان دل گرمی و اطمینان میدهد که هرگز در اعتقاد خودش دچار شک و تردید نمیشود، چون آفت اعتقاد و ضد آن، شک و تردید است [6].

(دو) ارتباط اجتماعی:

ارتباط از نظر لغوی واژه‌های عربی از باب افتعال است که در فارسی به صورت متعدی و به معنای پیوند دادن، ربط دادن با و به صورت اسم مصدر به معنای بستگی، پیوند، پیوستگی و رابطه استعمال می‌شود [7].

دانشمندان علوم اجتماعی نیز در تعریف ارتباط مینویسند: «ارتباط را میتوان جریانی دانست که در طی آن دو نفر یا بیشتر به تبادل افکار، نظرات، احساسات، عقاید خود می‌پردازند و از طریق به کار بردن پیام‌هایی که معنایش برای کلیه آنها یکسان است به انجام این امر مبادرت می‌ورزند.» به طور کلی

ارتباط انسانها اساس شکل‌گیری جامعه انسانی به معنای واقعی و منشاء فرهنگ و عاملی در راه ارتقای انسانی است؛ فقدان آن به معنای سکون نسبی در حیات انسانی و مانعی در راه هر نوع تعالی اجتماعی است [8]. هر گروه و اجتماعی وقتی از یگانگی برخوردار میشوند که اعضای آن حس کنند به آن تعلق دارند. در این صورت حاضرند برای نیل به هدف مشترک با هم کار کنند و وقتی روح جمعی در میان انبوهی از انسانها پدید می‌آید، باعث می‌شود آنها طوری احساس، فکر و عمل کنند که با احساس، فکر و عملشان هنگامی که تنها هستند، فرق میکند [9].

فرامین قرآن کریم نیز بدین جهت است که این روابط را به گونهای ساماندهی کند، که احساس تعلق و یگانگی و روح جمعی در میان مومنان پدید آید و جامعه اسلامی را به تعالی و ارتقایی که شایسته آن است برساند. این تحقیق در صدد آن است که بتواند گامی در جهت نیل به این هدف بردارد.

روابط مومنان با مومنان:

رحمت در واقع اساس و مبنای روابط در بین مومنان است. رحمت از ریشه (ر ح م) به معنای مهربانی است [10]. این موضوع در قرآن کریم بسیار مورد توجه بوده است؛ رحمت در قرآن گاهی متوجه خداوند [11] و گاهی درخصوص رسول خدا [12] و گاهی در مورد مومنان و روابط میان ایشان [13] است.

اساس تمامی ادیان به ویژه دین اسلام رحمت است؛ زیرا انسان را به راه راست و طریق صحیح و نعمتهای الهی هدایت میکند و از پیامبر اسلام هم به عنوان «رحمه للعالمین» یاد می‌شود، زیرا اختصاص به همه عصرها و نسلها دارند. رحمت در روابط مومنان با یکدیگر نیز جداگانه در قرآن کریم مورد تاکید قرار می‌گیرد. «محمد رسول الله و الذین معه اشداد علی الکفار رحماء بینهم» [14]؛ مطابق این آیه شریفه، مومنان با رحم و عطف و مهربانی در بین خودشان رفتار می‌کنند که طبیعتاً یکی از آثار و برکات این رحم و رحمت و عطف، ایجاد اخوت و برادری است؛ «انما المومنون اخوه» [15]، که این برادری نیز موجب عفو و گذشت و مهربانی برادران در حق همدیگر میشود؛ «ولیعفووا ولیصفحوا الا تحبون ان یغفر الله لکم والله غفور رحیم» [16]، در چنین اجتماع با فضیلتی است که بر روابط آن عفو و گذشت و مهربانی حکمفرماست و نیرو و توان آن برای ایجاد امت واحده و مدینه فاضله‌ای به کار می‌رود.

اصل کلی رحمت در روابط به چهار بخش تقسیم میگردد:

الف- روابط اجتماعی ب- روابط اخلاقی

ج- روابط اقتصادی د- روابط حقوقی

الف- روابط اجتماعی:

روابط اجتماعی، مهمترین جنبه روابط مومنان با یکدیگر در جامعه اسلامی است؛ زیرا اسلام دینی اجتماعی

است و برای اجتماع جایگاه والایی قائل است و سعادت فرد و اجتماع را از هم جدا نمیداند. از این رو بخش روابط اجتماعی را با تفصیل بیشتری نسبت به سایر بخشها مورد بررسی قرار میدهیم.

1. اخوت و برادری

به کارگیری برادری در روابط مومنان، اساسیترین و مهمترین جنبه روابط اجتماعی است. با رعایت این اصل افراد مومن واحد و یکپارچه می شوند و جامعه اسلامی را شکل می دهند که مصداق «کنتم خیر امه اخرجت للناس» [17] باشد. براین اساس، برادری مومنان سنگ بنای روابط اجتماعی همچون محبت و مودت، انفاق، امر به معروف و نهی از منکر، عدالت، مشورت و اصلاح روابط و حتی روابط اخلاقی، اقتصادی و حقوقی است.

دین اسلام برای هر چه نزدیکتر شدن مسلمانان، به تشریع قانون «برادری دینی» میپردازد؛ «انما المومنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم واتقوا الله لعلکم ترحمون» [18]. این آیه شریفه با اسلوب حصر «انما» همراه شده، تا یادآوری کند که اخوت و برادری منحصر و محدود به مومنان است. ایمانی که -مومنان را به حالت برادری با یکدیگر نرساند، ایمان حقیقی نیست. آنگاه به برادران مومن فرمان می دهد که روابط میانشان را به نحوی نیکو درآورند؛ زیرا اصلاح روابط و ایجاد تفاهم و زدودن کدورتها و دشمنی ها و تبدیل آن به صمیمیت و دوستی یکی از مهمترین برنامههای اسلامی است و به اندازه های به این موضوع اهمیت داده میشود که به عنوان یکی از برترین عبادات معرفی می گردد. حضرت علی (ع) می فرماید: از پیامبر(ص) شنیدم، که میفرمود: اصلاح رابطه بین مردم از انواع نماز و روزه برتر است [19].

قرآن کریم، ایجاد الفت و برادری بین مومنان را یکی از نعمتهای خود برمیشمارد؛ «فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا» [20]، تکرار واژه نعمت در این آیه در حقیقت برای گوشزد کردن اهمیت نعمت برادری و اخوت است. قرآن، بهترین دعای مومنان در حق برادران مومن شان را به آنها میآموزد که: «ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالايمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انک رؤوف رحیم» [21]؛ یعنی پروردگارا بر ما و بر آن برادران مان که در ایمان آوردن از ما پیشی گرفتند، ببخشای و در دل هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده اند کینه های مگذار، پروردگارا راستی که تو رؤوف و مهربانی.

از جمله آثاری که به برادری دینی بار می شود؛ محبت و دوستی، تعاون و همکاری و وحدت و یگانگی است و از این رو برادری در جامعه اسلامی اصل است [22]

حکمت تشریع قانون برادری دینی و دوستی در راه خدا و تاکید بر وجوب محبت مسلمانان، همان وحدت کلمه و یکپارچگی امت اسلامی است؛ که یکی از مهمترین خصیصههای جامعه اسلامی محسوب میشود و ضامن حفظ و بقای آن در برابر انواع بلایا و مشکلات است. از این رو، دین مبین اسلام همواره تلاش کرده تا در سایه

برادری و برابری، این خصیصه را در جامعه اسلامی بوجود آورد و رحمت و عطوفت را در قلب های مومنان بیدار کند. در همین راستا، پیامبر بزرگوار اسلام(ص) فرموده‌اند: خداوند میان مومنان عقد اخوت جاری نمود تا قلبهایشان را نسبت به یکدیگر مهربان و نزدیک کند و از مومنان یک امت متحد و همدل بسازد.

2- عدالت با مومنان

«عدالت» از ریشه (ع د ل) به معنی مساوات و برابری و دادگری است [23]. عدالت در اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است و خصوصاً در مباحث اجتماعی بسیار مورد تاکید قرار دارد. اجرای عدالت در جامعه از ضروریات هر جامعه‌ای است؛ زیرا تنها در این صورت است که جامعه دوام پیدا کرده و پا برجا میماند. خداوند در آیات فراوانی دعوت به عدل و قسط میکند [24]. از جمله عهدهایی که خداوند از امت مسلمان گرفته و قوام جامعه بشری بر آن استوار است، عدل است. عدل مطلق که به خاطر دوستیها و دشمنیها و مصلحتها و یا هوای نفس از میزان اصلیتش عدول نکند [25].

3- امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، دو اصل اساسی در روابط مومنان برای اصلاح و محافظت از جامعه اسلامی است و قرآن کریم به صراحت امر به معروف و نهی از منکر را از ویژگی مردان و زنان با ایمان برمی شمارد [26]. امر به معروف و نهی از منکر از لوازم و واجبات اجتماع معتمد به حبل الله است [27]. خداوند در آیه دیگری از قرآن، به بخشی از امت اسلامی فرمان فراخواندن به خیر و نهی از منکر جامعه را می دهد و آن افراد را رستگار میداند [28].

همچنین خداوند متعال در آیهای دیگر نیز، ضمن تقدیم امر به معروف و نهی از منکر بر ایمان به خدا، امت اسلام را به خاطر این صفات بهترین امتها معرفی میکند [29]. این آیه به طور ضمنی بیان می کند، که شما به واسطه ایمانی که به خدا دارید و امر به معروف و نهی از منکر که میکنید، بهترین امتی هستید که من آفریده‌ام؛ یعنی شرط برتری شما این دو موضوع است [30].

با توجه به این که هر زیان فردی، احتمال این را دارد که به صورت یک زیان اجتماعی درآید، بر این اساس منطق و عقل هم به افراد اجتماع اجازه میدهد که در پاک نگه داشتن محیط جامعه از هرگونه تلاش و کوششی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر کوتاهی نکنند.

4- اصلاح ذات البین

اصلاح از ریشه (ص ل ح) در لغت یعنی مسالمت و سازش، که راغب آن را از بین بردن نفرت میان مردم معرفی کرده است [31]. اصلاح ذات البین، یکی از برنامه‌های اجتماعی مهم و اساسی دین مبین اسلام است که برعهده مومنان نهاده شده، تا از ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی جلوگیری کند؛ زیرا هیچ چیز به اندازه دشمنیهای داخلی و تفرقه در بین مومنان جامعه اسلامی را تهدید نمیکند و خطر این مسئله برای امت

اسلامی، حتی از دشمنان خارجی نیز مهم تر است، زیرا میتواند جامعه اسلامی را از درون تهی و متلاشی کند.

از این رو دین اسلام به مومنان دستور می دهد که هرگاه بین سایر مومنان مشکل و درگیری پیش آمد، به اصلاح روابط بین آنها پرداخته و جلوی ریشه دار شدن مشکل را بگیرند و دشمنی را به سازش و دوستی تبدیل کرده و پیوند امت اسلامی را بیش از پیش مستحکم کنند[32]. رسول اکرم (ص) نیز میفرماید: «صلاح ذات البین افضل من عامه الصلوه و الصيام»[33]. آیات و روایات حاکی از این است، که اصلاح ذات البین در اسلام بسیار مورد تاکید است و اگر هر کس به نوبه خود سعی کند به این فرمان الهی عمل کند و رابطه بین مومنان اطراف خود را اصلاح کند، این اصل مهم و اساسی به تدریج در سراسر جامعه اسلامی پیاده خواهد شد و در نتیجه اتحاد و اتفاق نیز میان مومنان برقرار میشود و مستحکم باقی میماند.

5- امانت داری

امانت داری یکی از ویژگیهای مهم اجتماعی مومنان است، که در آیات و روایات متعددی مورد سفارش و تاکید قرار می گیرد. خداوند متعال در مورد مومنان میفرماید: «والذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون»[34]؛ تعبیر راعون (مراعات کنندگان) برای امانت بسیار دقیق است؛ زیرا نشانگر علاقه شدید مومنان به حفظ اموال دیگر مومنان است که حتی بیشتر از اموال و دارایی شخصی خود بر آن مراقبت و محافظت دارند[35]. در آیه ای دیگر نیز خداوند مومنان را از خیانت در امانت نهی میکند[36] و در جای دیگر امر به ادای امانت می کند؛ «ان اٰیامکم ان تودوا الامانات الی اهلها...»[37].

لازم به یادآوری است که امانت مصادیق فراوانی را دربرمی گیرد؛ از جمله مقام و موقعیت های اجتماعی، فرهنگها و میراثهای تاریخی و... که جزء امانت های الهی محسوب میشوند. دانشمندان نیز امانت دارانی هستند، که باید حقایقی که نزد آنان امانت است را آشکار کنند و بسیاری از مصادیق آشکار و نهان دیگر که می توان برای امانت برشمرد. اهمیت امانت داری به قدری است، که قرآن کریم برخی از اهل کتاب را به خاطر امانت داری ستوده است[38]. بنابراین، یکی از مهمترین پایه های زندگی اجتماعی، تعهد به عهد و پیمان و حفظ و ادای امانت است. لازم به ذکر است که در میان مومنان، عامل اصلی که موجب پایبندی به تعهدات و ادای امانت می شود، ایمان به خداوند متعال است.

6- وفای به عهد

از دیگر ویژگیهای اجتماعی مومنان که از زیربناهای روابط اجتماعی نیز محسوب میشود، وفای به عهد است که در قرآن کریم و احادیث به آن میپردازد. عهد، در لغت به معنی نگهداری و مراعات پی در پی در شیء است و پیمان را از آن جهت عهد گویند که مراعات آن لازم است[39]. عهد و پیمان معنای وسیعی دارد که هم شامل عهدهای خصوصی میان افراد در رابطه با مسائل اقتصادی، زناشویی و... می شود و هم

شامل عهد و پیمان‌هایی که در میان ملت‌ها و حکومت‌ها برقرار می‌گردد. از آن بالاتر شامل پیمان‌های الهی و رهبران آسمانی، نسبت به امت‌ها و امت‌ها نسبت به آنان نیز می‌شود [40]. خداوند متعال در آیات فراوانی به رعایت عهد و پیمان توصیه می‌کند [41].

8- شورا و مشورت

«مشورت» یکی دیگر از مسائل مهم اجتماعی مومنان است، که در اسلام با اهمیت خاصی معرفی می‌شود؛ زیرا هر شخصی به یک مسئله از بعد خاصی می‌نگرد و از جنبه خاصی آن را تفسیر می‌کند و طبیعتاً نمیتواند همه ابعاد یک مسئله را در نظر بگیرد، اما وقتی آن مسئله به مشورت گذاشته شود، در نهایت همه جوانب آن سنجیده می‌شود و نواقص آن برطرف می‌گردد و کارها به شیوه صحیح انجام می‌شود. این موضوع در آیات مختلفی مورد تأکید قرار گرفته است [42] و اهمیت این موضوع به قدری است که حتی مصلحان دینی بر ایجاد و گسترش اجتهاد شورایی تأکید دارند و گذشته از این، اسلام دینی کامل و همه جانبه است، پس وقتی پیامبر این دین به مشورت با مومنان امر شده، مومنان به طریق اولی موظف به رعایت این اصل مهم در همه امور و مخصوصاً امور اجتهادی و اجتماعی‌اند. برای امور اجتماعی میتوان زمینه‌های دیگری نیز از جمله صله ارحام، همسایه داری، یتیم نوازی، احسان به والدین و نزدیکان و مساکین و ... برشمرد که برای جلوگیری از طولانی شدن بحث در این بخش، از تفصیل آن زمین‌ها چشم‌پوشی کرده به بحث روابط اخلاقی می‌پردازیم.

ب- روابط اخلاقی

روابط اخلاقی، جنبه‌های دیگر از روابط مومنان با یکدیگر در جامعه اسلامی است، که از اهمیت بسزایی برخوردار است. روابط اخلاقی بین مومنان ابعاد گوناگونی را شامل می‌شود، از این رو به برخی از مهمترین موارد اشاره می‌گردد:

1. محبت و مودت

مسئله محبت و مودت در حقیقت، رشته پیوند اعضای جامعه انسان‌ها است و بدون آن برقراری ارتباط میان این اعضا دشوار مینماید. از این رو خداوند متعال، طبیعت انسان را براساس زندگی اجتماعی قرار داده و اسباب این پیوند را نیز در او نهاده است.

یکی از روشن‌ترین جلوه‌گاه مودت و محبت، جامعه کوچک خانواده است [43] و نیز همانند آن، مودت و رحمتی است که در میان افراد جامعه مشاهده می‌شود. یک مومن وقتی دیگری را می‌بیند با او انس می‌گیرد، احساس محبت می‌کند، به مسکینان و ناتوانان ترحم می‌کند و... [44].

در روایات نیز توصیه‌های فراوانی بر محبت و مودت بین مومنین شده است؛ زیرا هرچه این محبت ریشه

دارتر شود، پیوند میان مومنان نیز محکمتر می گردد و در نتیجه جامعه با شور و نشاط و همدلی به حیات خود ادامه میدهد.

2. حسن خلق و تواضع

حسن به معنای زیبایی و نکویی است و خلق به معنی عادت و طبع و مروت است [45]؛ بنا براین حسن خلق به معنی منش و رفتار و عادتی است که نیکو و خوشایند باشد تواضع نیز از ریشه (و ض ع) به معنی تذلل و نرمی و خضوع است [46]. خلق خوش و تواضع در برخورد با مردم، از مهمترین جنبه‌های روابط اخلاقی مومنان در جامعه اسلامی است.

در قرآن و روایات، تواضع و حسن خلق و ملاطفت در برخوردها بسیار مهم تلقی شده و به آن توصیه می شود. در قرآن کریم سوره لقمان آیه 18، لقمان حکیم فرزندش را به تواضع و فروتنی و خوشرویی توصیه می کند، چرا که از عالی ترین صفات انسانی محسوب میشوند و در آیه زیبای دیگری خداوند علت گرایش مومنان به پیامبر مهربان(ص) را اخلاق نیک و نرمی او بیان می کند؛ «فبما رحمه من الله لنت لهم ولو كنت فطاً غليظ القلب لانفضوا من حولك...» [47]. حضرت علی(ع) نیز ثمره تواضع و فروتنی را محبت و مهربانی میدانند؛ «ثمره التواضع المحبة» [48]

توجه به این نکته که در آیات و روایات، چنین سفارش هایی پیرامون مسئله حسن خلق و تواضع وجود دارد، اهمیت این امر را روشن میسازد. به ویژه این که در روایات، کامل ترین ایمان و یا همنشینی با پیامبر(ص) و ... منوط به عبادت های دشوار و طاقت فرسا دانسته نشده، بلکه خوش خلقی عامل رسیدن به آن مقامات معرفی شده است. گذشته از تأثیرات اخروی که این موضوع به دنبال دارد، کسی که خوشرو و متواضع باشد نه تنها نزد خداوند عزیز است، بلکه پیش مردم نیز بزرگ و دوست داشتنی می شود؛ زیرا تواضع و حسن خلق یکی از بهترین راههای ایجاد محبت بین مومنان است.

3- عفو و گذشت و مدارا با مردم

عفو در لغت به معنی گذشت و بخشودن گناه است [49]. مومنان در جامعه، ناچار از برقراری ارتباط با دیگر مومنان هستند و لازمه برقراری و ادامه هر رابطهای این است که افراد بتوانند از خطاهای یکدیگر چشم پوشی کنند و همدیگر را ببخشند و باهم مدارا و سازش داشته باشند و روابط خود را با دیگران به صورت مسالمت آمیز مدیریت کنند. از این رو، این امر که از فضیلت‌های اخلاقی نیز محسوب می شود، در قرآن و سنت مورد تأکید قرار دارد؛ «خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین» [50] و یا در آیه دیگری؛ گذشت از مردم، از ویژگیهای نیکوکاران برشمرده می شود [51] و همچنین پیامبر اسلام در مورد مدارای با مردم می فرماید: «راس العقل بعد الايمان با مداراه الناس» [52]

بنابراین، عفو و گذشت و مدارا با مردم؛ از جمله اصول مهم ارتباط اخلاقی مومنان است. چون در هر

رابطه‌های ممکن است اختلافات و ناراحتیهایی پیش آید و در این میان آنچه باعث رفع این ناراحتیها و اختلافات می‌شود، گذشت و مدارا نمودن با دیگران است.

4- آداب معاشرت

مومنان در جامعه اسلامی در ارتباط با سایر مومنان هستند. از این رو دین اسلام به همه جزئیات روابط فردی و اجتماعی نظر داشته و به ارائه راهکار می‌پردازد، که یکی از این جنبه‌ها توصیه‌هایی در مورد آداب معاشرت مومنان است؛ چنان که می‌فرماید: «و اذا حیتم بتحیه فحیوا باحسن منها او ردوها...» [53]. دین اسلام، در تلاش دائم برای تحکیم پیوندهای مودت و نزدیکی بین مومنان است و سلام و جوابگویی آن به گونه‌های بهتر، یکی از راهکارهای ایجاد پیوند و علاقه بین مومنان و تحکیم آن است [54] و نیز، در جنبه دیگری از آداب معاشرت به مومنان توصیه می‌کند که؛ تا اجازه نگرفته‌اید، به خانه‌ای که مال شما نیست، وارد نشوید؛ بعد از اجازه، بر اهل آن سلام گوید و پس از آن وارد شوید [55] و یا در آیات دیگری نیز در رابطه با چگونگی و آداب شرکت در مجالس توصیه‌هایی می‌کند [56].

ج- روابط اقتصادی

روابط اقتصادی، یکی دیگر از جوانب مهم روابط مومنان با یکدیگر است؛ زیرا سلامت هر اجتماعی به سلامت اقتصاد آن جامعه نیز بستگی دارد.

خداوند متعال، در قرآن کریم در آیات متعددی پیرامون مسایل اقتصادی جامعه صحبت می‌کند و به اصولی اشاره می‌کند که با رعایت آنها بسیاری از مشکلات اقتصادی مرتفع خواهد شد. از جمله آن آیات می‌توان به آیه زیر اشاره کرد: «یا ایها الذین آمنوا لاتاکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض منکم و لاتقتلوا انفسکم» [57] و یا در آیات دیگری که اشاره دارد؛ اموال یکدیگر را به ناروا نخورید [58].

اینک که مهمترین اصل اقتصادی اسلام بیان شد، به برخی ابعاد روابط اقتصادی مومنان به صورت اجمالی اشاره میشود:

1- انفاق

انفاق از جمله اصولی است که خداوند متعال جهت سالم ساختن اقتصاد جامعه و کاهش فاصله طبقاتی و برقراری تعادل بین طبقات مختلف مومنان بر عهده آنها نهاده است. خداوند متعال افراد مومن را به انفاق فرمان می‌دهد و سرپیچی از آن را ظلم و ستم می‌خواند [59] و در آیه دیگری تاکید دارد که انفاق باید از طیبّات صورت گیرد [60] و نیز در آیهای دیگر می‌فرماید: هرگز به نیکوکاری نمی‌رسید تا از آنچه دوست دارید، انفاق کنید [61]. همچنین با تمثیلی زیبا، انفاق را مورد تشویق قرار می‌دهد و

افزودن چندین برابر را وعده می‌دهد [62] و در وصف مومنان و متقیان نیز می‌فرماید: «و مما رزقناکم ینفقون» [63].

در روایات متعددی نیز، بر انفاق تاکید شده است؛ غرض از این همه توصیه به انفاق در آیات و روایات، ایجاد جامعهای نیکو و متعادل برای امت اسلامی است، که نیازمندی در آن باقی نماند.

2- زکات

اساساً زکات نوعی مالیات است، که متعلق به جامعه اسلامی است و با شرایط خاص و در صورت رسیدن مال به حد نصاب معینی، باید پرداخت شود. خداوند، پرداخت زکات را باعث پاک شدن اموال و پیدایش خیر و برکت و فزونی مال معرفی کرده [64] و موارد مصرف زکات را نیز در آیه ای بیان می‌کند [65]. خداوند متعال، در آیه 7 سوره حشر، نیز یک اصل اساسی دیگر در اقتصاد اسلامی را بیان می‌کند؛ که جهت گیری اقتصاد اسلامی در عین احترام به مالکیت خصوصی، برنامه را طوری تنظیم می‌کند که اموال و ثروت‌ها در دست گروهی محدود متمرکز نشود و همه مردم از آن بهره‌مند شوند، تا شاهد جامعهای متعادل باشیم [66].

3- خمس

خمس یکی دیگر از برنامه‌های اقتصاد اسلامی است، که در کنار زکات و برای پایه گذاری اقتصادی سالم و پویا وضع شده است و در آیه ای از قرآن، موارد وجوب خمس بیان گردیده است [67]. خمس و زکات راهکارهایی هستند، که خداوند متعال هم برای بهبود وضع نیازمندان موجود در جامعه وضع کرده و هم منبع درآمدی برای حکومت اسلامی و تامین هزینه‌های آن بوجود آورده است.

4- قرض حسن

قرض در اصل به معنی قطع کردن است [68] و وام را قرض گویند؛ زیرا شخص جزئی از مال خود را قطع کرده، به دیگری می‌دهد؛ به نیت اینکه خود مال، یا بدل آن را بعداً بدهند [69]. قرض دادن یکی دیگر از جوانب روابط اقتصادی میان مومنان است، که در رفع مشکلات اقتصادی آنان و تحکیم پیوند موجود میان آنها نقش بسزایی دارد. در آیه 11 سوره حدید، خداوند برای قرض حسن، پاداش بزرگی در نظر می‌گیرد؛ «من ذلذی یقرض ا□ قرضاً حسناً فیضاعفه له وله اجر کریم» [70]. قرض حسن قرضی است که؛ از مال حلال باشد، برای رضای خدا باشد و منت و آزاری به دنبال آن نباشد [71]، در حد ممکن به صورت پنهانی باشد [72] و ربا نباشد [73].

بنابراین؛ اگر راهکارهایی که شارع در جهت بهبود بخشیدن به اوضاع اقتصادی جامعه و ترقی و پیشرفت هماهنگ همه اعضای جامعه اسلامی، ارائه داده؛ توسط فرد فرد مومنان به اجرا در آید، در این صورت جامعه ای سالم و پویا بوجود خواهد آمد و همه مومنان در کنار همدیگر از زندگی متناسبی برخوردار

خواهند بود و از تنش ها در بین آنان کاسته خواهد شد.

د- روابط حقوقی

روابط حقوقی یکی دیگر از جنبه های روابط مومنان با یکدیگر است. مراد از روابط حقوقی، مواردی است که جنبه قانونی دارد و براساس ضوابط و قوانین شرع سازماندهی می شود. روابط حقوقی ابعاد گسترده ای را شامل می شود. خداوند در آیه ای مومنان را به ادای شهادت به حق دعوت می کند [74] و یا در وصف نمازگزاران حقیقی میفرماید: «والذین هم بشهاداتهم قائمون» [75] که این نیز اهمیت شهادت دادن را می رساند و در آیه دیگری تحریف یا کتمان شهادت را از بزرگترین مظالم و گناهان برمی شمرد [76]. شهادت، به نوعی امانت نیز محسوب می شوند؛ که با اقامه شهادت حقوق مردم احیا می شود و با ترک و کتمان آن حقوق، باطل و ضایع میگردد [77].

یکی دیگر از روابط حقوقی مومنان، قصاص است. در اسلام هر جراحتی که دارای حد معینی باشد، مشمول حکم قصاص می شود. هدف از تشریع حکم قصاص این است، که مانعی در برابر وقوع جرم و جنایت در جامعه ایجاد کند و بدین ترتیب امنیت در جامعه اسلامی حکمفرما شود. خداوند متعال، در بیان حکم قصاص میفرماید: «و لکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب لعکم تتقون» [78]. در قرآن کریم و روایات در کنار توصیه به حکم قصاص، به عفو و گذشت نیز سفارش فراوانی شده است و این بدین خاطر است که پایه و اساس دستورات خداوند بر رحمت است.

نتیجه گیری:

در این مقاله درصدد آن بودیم، اصولی را که فرد مومن باید در ارتباط با دیگر مومنان به کار گیرد، از قرآن مجید استخراج و به بحث و بررسی آن به عنوان راهکاری کاربردی، برای اشاعه منطق گفتگو، در جهت نیل به وحدت امت اسلامی پردازیم؛ چرا که قرآن مجید به عنوان کتاب آسمانی مشترک امت اسلامی، می تواند بهترین راهکارها را برای تقریب و وحدت امت اسلامی ارائه دهد.

در مسیر این تحقیق، به ابعاد رابطه مومنان در جامعه اسلامی، در چهار بُعد روابط اجتماعی، روابط اخلاقی، روابط اقتصادی و روابط حقوقی پرداخته شد و با ارائه آیاتی در هر زمینه رویکرد قرآن در آن زمینه بیان گردید.

در يك نتیجه گیری اجمالي باید خاطر نشان كنیم، اسلام با اهمیت دادن به بُعد فردی و اجتماعی زندگی انسان، برای هر کدام راهکارهای کاربردی و مهمی را ارائه می دهد و در جنبه اجتماعی زندگی مومنان در جامعه، تاکید بر اخوت و برادری و رابطه ای بر اساس رحمت دارد.

با سر لوجه قرار دادن این مدل زندگی مومنان و ارتباط مومنان بر اساس تعالیم قرآن کریم و با توجه به این که قرآن به عنوان یکی از مهمترین نقاط مشترك مسلمانان است و همگان در عمل به دستورات متعالی آن اتفاق نظر دارند؛ میتوانیم شاهد پیشرفت های چشمگیری در رسیدن به وحدت اسلامی باشیم. به امید

آنکه این نوشتار قدمی هر چند کوچک در جهت نیل به این هدف متعالی باشد...

فهرست منابع:

1. قرآن کریم
2. نهج البلاغه، ترجمه علی شیروانی، قم، انتشارات دارالعلم، چاپ اول، 1381 ش.
3. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، 1404 ق.
4. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، 1414 ق.
5. برگ، اتو کلاین، ترجمه علی محمد کاردان، روان شناسی اجتماعی، تهران، نشر اندیشه، 1376 ش.
6. بیهقی، احمد بن حسین، شعب الایمان، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1410 ق.
7. خسروی حسینی، سید غلامرضا، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن کریم، تهران، انتشارات مرتضوی، چاپ دوم، 1375 ش.
8. رادی میبدی، زهرا، بررسی رابطه مومنان با مومنان از دیدگاه قرآن، پایان نامه کارشناسی ارشد، استادراهنما؛ دکتر ابراهیم اقبال، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، 1389 ش.
9. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی الخزاعی نیشابوری، تحقیق دکتر محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، 1408 ق.
10. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، تحقیق صفوان عدنان داودی، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم، چاپ اول، 1412 ق.
11. زحیلی، وحبه بن مصطفی، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، بیروت دمشق، دارالفکر المعاصر، چاپ دوم، 1418 ق.
12. ساروخانی، باقر، جامعه شناسی ارتباطات، تهران، نشر اطلاعات، 1376 ش.
13. سید بن قطب، فی ظلال القرآن، بیروت دار الشرق، چاپ هفدهم، 1412 ق.
14. شریف لاهیجی، محمد بن علی، تحقیق میر جلال الدین حسینی ارموی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، دفتر نشر داد، چاپ اول، 1373 ش.
15. طباطبایی، سید اشرف الدین، اخلاق رفتار و صفات مومن، تهران، نشر بهراد، 1381 ش.
16. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، 1417 ق.
17. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، انتشارات شریف رضی، 1412 ق.
18. همو، تحقیق محمد جواد بلاغی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، نشر ناصر خسرو، چاپ سوم، 1372 ش.

19. طبرسی، علی بن حسن، مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، نجف، کتابخانه حیدریه، 1385 ق.
20. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، 1410 ق.
21. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، 1420 ق.
22. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم، 1371 ش.
23. همو، احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، چاپ سوم، 1377 ش.
24. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1368 ش.
25. مدرسی، محمد تقی، تفسیر هدایت، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1377 ش.
26. مکارم شیرازی، ناصر، الامثل فی تفسیر کتاب □ المنزل، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، چاپ اول؛ 1421 ق.
27. همو، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، 1374 ش.
28. مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی- فارسی، بی جا، بی نا، بی تا.

[1] ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج13، ص21؛ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج1، ص90؛ فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج8، ص388

[2] ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج1، ص150

[3] قرآن کریم، سوره مائده، آیه 69

[4] ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج13، ص23

[5] طبرسی، حسن بن فضل، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج1، ص120

[6] طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج1، ص45

[7] ساروخانی، باقر، جامعه شناسی ارتباطات، ص20-19

[8] همان.

[9] رك: برگ، اتو كلاين، روان شناسی اجتماعی، 503 و 519

[10] راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ج1، ص347

[11] قرآن کریم، سوره فاتحه الكتاب، آیات 1-3 و سوره انعام، آیه 12 و سوره اعراف، آیه 156

[12] قرآن کریم، سوره انبیاء، آیه 10

[13] قرآن کریم، سوره فتح، آیه 29

[14] قرآن کریم، سوره فتح، آیه 29

[15] قرآن کریم، سوره حجرات، آیه 10

[16] قرآن کریم، سوره نور، آیه 22

[17] قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه 110

[18] قرآن کریم، سوره حجرات، آیه 10

[19] نهج البلاغه، نامه 47، ص501

[20] قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه 103

[21] قرآن کریم، سوره حشر، آیه 10

[22] رك: سيد بن قطب، فی ظلال القرآن، ج6، ص3345

[23] قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج4، ص301؛ مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی- فارسی، ص602

[24] قرآن کریم، سورہ مائدہ ، آیہ 8

[25] سید بن قطب، فی ظلال القرآن، ج2، ص852

[26] قرآن کریم، سورہ توبہ ، آیہ 71

[27] طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج3، ص372

[28] قرآن کریم، سورہ آل عمران ، آیہ 104

[29] قرآن کریم، سورہ آل عمران ، آیہ 110

[30] طبرسی، حسن بن فضل، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج2، ص881

[31] قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج4، ص142

[32] قرآن کریم، سورہ حجرات، آیہ 9 وسورہ انفال، آیہ 1

[33] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج7، ص51

[34] قرآن کریم، سورہ مومنون، آیہ 8

[35] مدرسی، محمد تقی، تفسیر ہدایت، ج8، ص153

[36] قرآن کریم، سورہ انفال، آیہ 27

[37] قرآن کریم، سورہ نساء، آیہ 58

[38] قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه 75

[39] قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج 5، ص 59

[40] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج 12، ص 110 و 111

[41] قرآن کریم، سوره انعام، آیه 152 و سوره بقره، آیه 177 و سوره احزاب، آیه 23 و سوره آل عمران، آیه 76 و سوره اسراء، آیه 34 و...

[42] قرآن کریم، سوره شوری، آیه 38 و سوره آل عمران، آیه 159 و...

[43] قرآن کریم، سوره روم، آیه 21

[44] رک: طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 16، ص 166

[45] قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج 2، ص 135 و ص 293

[46] فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج 2، ص 196

[47] قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه 159

[48] ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 296

[49] قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج 5، ص 19

[50] قرآن کریم، سوره اعراف، آیه 199

[51] قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه 134

[52] بیهقی، احمد بن حسین، شعب الایمان، ج 6، ص 344

[53] قرآن کریم، سورہ نساء، آیہ 86

[54] رک: سید بن قطب، فی ظلال القرآن، ج2، ص726

[55] قرآن کریم، سورہ نور، آیہ 27

[56] قرآن کریم، سورہ مجادلہ، آیہ 11؛ سورہ أحزاب، آیہ 53 و...

[57] قرآن کریم، سورہ نساء، آیہ 29

[58] قرآن کریم، سورہ بقرہ، آیہ 188

[59] قرآن کریم، سورہ بقرہ، آیہ 154

[60] قرآن کریم، سورہ بقرہ، آیہ 267

[61] قرآن کریم، سورہ آل عمران، آیہ 92

[62] قرآن کریم، سورہ بقرہ، آیہ 261

[63] قرآن کریم، سورہ بقرہ، آیہ 3

[64] قرآن کریم، سورہ توبہ، آیہ 103

[65] قرآن کریم، سورہ توبہ، آیہ 60

[66] رک: قرآن کریم، سورہ حشر، آیہ 7

[67] قرآن کریم، سورہ انفال، آیہ 41

[68] ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج7، ص216

[69] قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج5، ص307

[70] قرآن کریم، سورہ حدید، آیہ11

[71] قرآن کریم، سورہ بقرہ، آیہ264

[72] قرآن کریم، سورہ بقرہ، آیہ271

[73] قرآن کریم، سورہ بقرہ، آیہ278

[74] قرآن کریم، سورہ نساء، آیہ135

[75] قرآن کریم، سورہ معارج، آیہ33

[76] قرآن کریم، سورہ بقرہ، آیہ140

[77] فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج30، ص646

[78] قرآن کریم، سورہ بقرہ، آیہ179